

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

وجوه تمایز مکاتب فلسفه سیاسی اسلامی

مرتضی یوسفی راد



وجه تمایز مکاتب فلسفه سیاسی اسلامی

مرتضی یوسفی‌راد

ناشر

پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی

وابسته به دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم

تهیه

پژوهشکده علوم و اندیشه سیاسی

سرپرستار

محمدباقر انصاری

ویراستار

وحید حامد

لیتوگرافی، چاپ و صحافی

چاپخانه مؤسسه بوستان کتاب

چاپ اول: پاییز ۱۴۰۱

شمارگان: ۳۵۰

مرجع بهای کتاب: وبگاه رسمی نشر پژوهشگاه

علوم و فرهنگ اسلامی

عنوان: ۷۶۷؛ مسلسل: ۱۱۶۸

نشانی

قم، خیابان معلم، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، نشر

پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی

تلفن و دورنگار: ۳۷۸۳۲۸۳۳ - ۰۲۵

ص.پ: ۳۷۱۸۵/۳۶۸۸

کدپستی: ۳۷۱۵۶۱۶۵۹۱

مراکز پخش

۱. قم، میدان شهدا، تلفن و دورنگار ۳۷۸۳۲۸۳۴ - ۰۲۵

۲. تهران، خیابان انقلاب، روبروی در دانشگاه تهران،

پاساژ فروزنده، طبقه همکف، واحد ۳۱۲، تلفن:

۰۲۱ - ۶۶۹۵۱۵۳۴

وبگاه: www.pub.isca.ac.ir

رایانامه: nashr@isca.ac.ir

فروشگاه مجازی نشر: www.shop.isca.ac.ir

فروشگاه نشر دیجیتال: www.pajooahaan.ir

همه حقوق برای ناشر محفوظ است.

سرشناسه:

یوسفی‌راد، مرتضی، ۱۳۴۱-

عنوان و نام‌پدیدآور:

وجه تمایز مکاتب فلسفه سیاسی اسلامی / مرتضی یوسفی‌راد؛ تهیه پژوهشکده علوم و اندیشه سیاسی

مشخصات نشر:

قم: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، ۱۴۰۱

مشخصات ظاهری:

۳۶۳ ص.

شابک:

978-600-195-806-9

وضعیت فهرست‌نویسی:

فیبیا

یادداشت:

کتابنامه: ص. [۳۱۵] - ۳۳۰.

یادداشت:

نمایه.

موضوع:

فلسفه اسلامی

موضوع:

علوم سیاسی - فلسفه

موضوع:

اسلام و سیاست

شناسه افزوده:

پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی. پژوهشکده علوم و اندیشه سیاسی

رده‌بندی کنگره:

BBR ۱۴

رده‌بندی دیویی:

۱۸۹/۱

شماره کتابشناسی ملی:

۸۹۸۹۸۲۶

فهرست مطالب

سخنی با خواننده.....	۹
مقدمه.....	۱۱

فصل اول: مشترکات مکاتب فلسفه سیاسی اسلامی

۱. مشترکات معرفت‌شناسانه و روشی.....	۲۰
الف) منشأ معرفت.....	۲۰
ب) منابع معرفت.....	۲۱
ج) انواع معرفت‌ها.....	۳۰
د) رویکردهای معرفتی در فهم هستی و انسان.....	۳۴
۲. مشترکات هستی‌شناسانه.....	۳۸
الف) اصل هستی‌بخشی حق تعالی.....	۳۸
ب) ارگانسمی و سلسله‌مراتبی دیدن هستی.....	۳۹
ج) عوالم هستی و کیفیت ارتباط آنها.....	۴۲
۳. مشترکات انسان‌شناسانه.....	۴۵
الف) مدنیت طبیعی انسان.....	۴۷
ب) انسان ترکیبی از نفس و بدن.....	۴۸
ج) اصل اراده و اختیار انسان.....	۵۰

۵۱	۴. مشترکات در مسائل
۵۱	الف) سیاست
۵۴	ب) سیاست فاضله
۵۵	ج) سعادت
۵۶	د) انسان کامل
۵۸	ه) نبی
۵۹	و) ریاست فاضله حکیمانه نبی / امام / انسان کامل / انسان خلیفة الله / قطب
۶۳	ز) مدینه و مدینه فاضله (نظم مطلوب)
۶۴	ح) نظریه دولت و حکومت فلاسفه اسلامی
۶۶	ط) اعتدال
۶۸	ی) عدالت
۶۹	ک) محبت
۷۳	جمع بندی

فصل دوم: تمایزات محیطی مکاتب فلسفه سیاسی اسلامی

۸۱	زمینه های تاریخی مکاتب فلسفه سیاسی اسلامی
۸۱	الف) زمینه های داخلی جهان اسلام
۹۰	ب) نقش شرایط و موانع بیرونی
۹۴	ج) حوادث و اوضاع فکری - فرهنگی اعصار و قرون گوناگون
۱۳۱	جمع بندی

فصل سوم: تمایزات مبنایی مکاتب سه گانه

۱۳۴	۱. تمایزات معرفت شناسانه
-----	-------	--------------------------

۱۳۵	الف) چیستی معرفت و مکاتب
۱۳۹	ب) تمایز منابع معرفت‌شناسانه
۱۶۵	۲. تمایزات روش‌شناسانه
۱۶۷	الف) روش عقلی
۱۷۱	ب) روش شهودی / ذوقی / دلی
۱۷۲	ج) روش ممزوج برهانی کلامی استنادی صدرایی
۱۷۶	۳. تمایزات هستی‌شناسانه
۱۷۶	الف) هستی‌شناسی مشائی
۱۷۹	ب) هستی‌شناسی اشراقی
۱۸۳	ج) هستی‌شناسی حکمت متعالیه
۱۹۱	۴. تمایزات انسان‌شناسانه؛ کمال نفس و دیدگاه‌ها
۱۹۲	الف) مشاء و فضایل چهارگانه
۱۹۴	ب) حکمت اشراق و کمال انسان
۱۹۴	ج) حکمت متعالیه و کمال انسان
۲۰۳	د) فلاسفه تقریبی و کمال انسان
۲۰۶	جمع‌بندی

فصل چهارم: تمایزات مکاتب فلسفه سیاسی اسلامی در مسائل

۲۱۷	۱. نبی و نبوت
۲۲۳	۲. ریاست و حکمرانی نبی و انسان کامل
۲۳۴	۳. مدینه فاضله (نظام سیاسی مطلوب)
۲۳۵	۴. سعادت

۲۴۱	۵. اعتدال و فضیلت
۲۴۴	۶. سیاست مطلوب
۲۵۵	۷. شریعت/ قانون
۲۵۸	۸. عدالت
۲۶۲	۹. محبت
۲۶۵	جمع بندی
۲۷۵	جمع بندی نهایی فصول و نتیجه گیری
۳۱۵	کتابنامه

نمایه ها

۳۳۱	آیات
۳۳۳	روایات
۳۳۴	موضوعات
۳۵۸	اعلام و مشاهیر
۳۶۳	مکان ها

سخنی با خواننده

پژوهش در حوزه فلسفه سیاسی اسلامی در راستای شناخت مبانی، سرشت و ساختار آن در سال‌های پس از پیروزی انقلاب اسلامی ضرورتی انکارناپذیر یافته است. ژرف‌نگری در مبانی دینی مشتمل بر عقل و آموزه‌های وحیانی و عرف جامعه اسلامی - ایرانی، شرطی اساسی در پویایی پژوهش‌ها برای دستیابی به الگوی مطلوب حکومت اسلامی در دوره جدید است؛ از این‌رو شناخت، بازخوانی، بازنگری و بومی‌سازی مسائل علم و اندیشه سیاسی، جایگاه ویژه‌ای در این پژوهش‌ها دارند.

بی‌گمان قصد اولیه انقلاب اسلامی هدفمندی و ارتقای کیفیت زندگی مؤمنان بر اساس نص اسلامی بود. لازمه تحقق این هدف، تربیت اندیشمندان فراوان و انجام تحقیقات به‌روز، کارآمد و معتبر علمی بود که در این راستا با راهنمایی استادان و همکاری طلبه‌های دانش‌آموخته علوم سیاسی، زمینه شکل‌گیری پژوهشکده علوم و اندیشه سیاسی در سال ۱۳۷۳ فراهم شد و تجربه نو و موفق این پژوهشگران در معرفی بخشی از میراث سیاسی عالمان شیعی و تألیف آثار مستقل درباره مسائل نوپدید سیاسی، زمینه را برای گسترش فعالیت‌های پژوهشی فراهم کرد.

این پژوهشکده در راستای ایفای رسالت خود، تولیدات پژوهشی فراوانی را به جامعه علمی عرضه کرده است؛ از آن جمله می‌توان به تألیف، تصنیف و ترجمه

ده‌ها کتاب در حوزه اندیشه سیاسی اسلام اشاره کرد. چشم‌انداز آینده این پژوهشکده تبدیل شدن به مرجعی علمی در حوزه اندیشه سیاسی - دینی است تا بتواند با گردآوری مهم‌ترین تلاش‌ها و اندیشه‌ها به بسیاری از علاقه‌مندان این حوزه، خدمات علمی مؤثری عرضه کند.

کتاب حاضر با اهداف تعیین شاخه‌های کلی مکاتب فلسفه سیاسی اسلامی و تمایزات آنها و نمایش توانمندی‌های تمدنی و دانشی فکر و اندیشه برای بهره‌مندی دانشجویان عزیز و طلبه‌های محترم علوم دینی تهیه شده است. امید است افزون بر جامعه دانشگاهی و حوزوی، علاقه‌مندان دیگر نیز از آن بهره‌مند شوند.

پژوهشکده علوم و اندیشه سیاسی لازم می‌داند از تلاش‌های مؤلف محترم دکتر مرتضی یوسفی راد، ناظر ارجمند دکتر محسن رضوانی، ارزیابان محترم دکتر نجف لک‌زایی و دکتر مهدی امیدی و مدیر محترم گروه دکتر شریف لک‌زایی و مدیر محترم امور پژوهشی دکتر محمود فلاح تشکر و قدردانی کند؛ همچنین شایسته است از رئیس محترم پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی حجت‌الاسلام و المسلمین جناب آقای دکتر نجف لک‌زایی و معاون محترم پژوهشی حجت‌الاسلام و المسلمین محمدهادی یعقوب‌نژاد که مساعدت‌های مؤثر ایشان نقشی اساسی در به سرانجام رسیدن پژوهش حاضر داشت، تشکر نماید. در پایان از اداره نشر پژوهشگاه برای آماده‌سازی و چاپ آن تشکر و قدردانی می‌شود.

این پژوهشکده در راستای حیات و بالندگی خود از انتقادهای و پیشنهادهای علمی استادان، صاحب‌نظران و پژوهشگران محترم استقبال می‌کند. امید است این فعالیت‌ها موجبات رشد و پویایی اندیشه سیاسی اسلام را فراهم کند.

دکتر منصور میراحمدی

مدیر پژوهشکده علوم و اندیشه سیاسی

مقدمه

فلسفه سیاسی اسلامی مجموعه خردورزی‌هایی از سیاست و پدیده‌ها و زندگی مدنی است که در چارچوب فلسفه اسلامی و عقلانیت تولیدشده از فرهنگ ایرانی - اسلامی و اعتقادات دینی، صورت گرفته و در متون فلاسفه اسلامی از فارابی تا ملاصدرا و پیروانش ظهور یافته و به یادگار مانده است. عقلانیت تولیدشده و خردورزی‌های صورت گرفته به لحاظ تغییر و تحولات محیط بیرونی (اعم از اوضاع فکری - فرهنگی و سیاسی - اجتماعی) تغییراتی را در بستر زمان و در درون هویت اسلامی پذیرفته است. این تغییرات از دوره آغازین خردورزی در محیط فکری - فرهنگی جهان اسلام خود را نشان می‌دهد؛ مانند اینکه در قرون دوم و سوم هجری در محیط فرهنگی مجادلات کلامی معتزلی فضای فکری و اندیشگی را فرا می‌گیرد و تا آنجا پیش می‌رود که دربار خلفایی چون هارون الرشید و مأمون نیز از آن مصون نیستند؛ بلکه از آن استقبال می‌کنند و فضای عقل‌گرایی پیش آمده تا آنجا پیش می‌رود که عالمانی چون راوندی و رازی به کفایت عقل و نفی نبوت می‌رسند. چنین فضایی حکیمانی را می‌طلبد که در صدد جمع عقل و وحی برآیند و از عقل استدلالی که در آن زمان فلسفه ارسطویی آن را عرضه می‌کند، هم برای توجیه و تبیین عقلی از دین و هماهنگی آن با وحی استفاده کنند

و هم در ساختار تمدنی برای ساماندهی و نظام تعاملات مدنی و سیاسی مطلوب و در عین حال برخاسته از عقل و وحی بهره گیرند. در ادامه و در مقاطع دیگر تحولات محیط بیرونی همچون حمله مغولان و جنگ‌های صلیبی و تأثیرات منفی فرهنگی و سیاسی - اجتماعی میزان توجه حکیمان به عقل برهانی و استدلالی و عقل سامان‌دهنده امور دنیوی را کمرنگ می‌کند و به جای آن عقل شهودی را تقویت می‌نماید؛ تا آنجا که نزد فیلسوفان این مقطع، برخورداری از کمال حقیقی متوقف بر بهره‌گیری از عقل شهودی می‌شود. چنین مواجهاتی متأثر از تغییرات پیش‌آمده از یک سو و تأثیرات فکری و خردورزی حکیمان از نوع نگرش به انسان و زندگی و سعادت او از سوی دیگر خردورزی‌های حکمای اسلامی از حیات سیاسی و سیاست را متأثر از خود می‌کند و نوع خردورزی‌های آنها را بسته به نوع تغییر روش تفسیری از انسان و زندگی و کمال دستخوش تحول می‌کند.

پرسش اصلی این تحقیق آن است که وجوه تمایز گرایش‌ها و مکاتب فلسفه سیاسی اسلامی (مشاء، اشراق، متعالیه و...) کدام‌اند؟ البته پرداختن به این پرسش بر پاسخ مثبت به پرسش «آیا حوزه عمل و زندگی سیاسی امکان این را دارد که با دخالت رویکردهای عقلی، عرفانی، کلامی و تجربی، تفسیرهای متعدد و گوناگون به خود بگیرد»، توقف دارد؛ وگرنه پرداختن به آن لغو است.

پرسش‌های فرعی پوشش‌دهنده پرسش اصلی عبارت‌اند از: وجوه مشترک مکاتب فلسفه سیاسی اسلامی چیست؟ اصول وحدت‌بخش آنها کدام است؟ زمینه‌های تاریخی (اوضاع سیاسی - اجتماعی و فکری - فرهنگی) چه نوع تمایزاتی را در مکاتب فلسفه سیاسی اسلامی موجب شده است؟ مبانی تمایزبخش مکاتب فلسفه سیاسی اسلامی از حیث معرفت‌شناسانه و هستی‌شناسانه و انسان‌شناسانه کدام‌اند؟ مکاتب فلسفه سیاسی اسلامی از حیث

روشی چگونه از یکدیگر متمایز می‌شوند؟ مکاتب فلسفه سیاسی اسلامی از حیث مسائل چگونه از یکدیگر متمایز می‌شوند؟

در این بحث، اهداف چندگانه اساسی منظور نظر است:

- هدف آن است که از این طریق گستره مرزهای فلسفه سیاسی اسلامی معین

شود.

- هدف آن است که شاخه‌های کلی مکاتب فلسفه سیاسی اسلامی روشن

گردد و از یکدیگر متمایز شوند.

- هدف آن است که ملاک یا ملاکات تمایزگذاری میان آنها شفاف شود.

- هدف آن است که بازتاب و امتداد عملی این تمایزات در حوزه عمل نشان

داده شود.

- هدف آن است که ارتباط مستمر فیلسوفان اسلامی با محیط بیرونی نشان

داده شود.

مفروضات و مبانی نظری این طرح که چارچوب نظری پژوهش به شمار

می‌روند، عبارت‌اند از:

- آنچه از وجوه تمایز مکاتب فلسفی سیاسی اسلامی اعلام نظر می‌شود،

حاصل آن چیزی است که به طور غالبی در متون فلسفی فلاسفه اسلامی آمده

است؛ نه آنچه اقتضای دستگاه فلسفی فلاسفه اسلامی بوده و می‌توان در منطق

بازسازی شده بدانها دست یافت.

- هر یک از مکاتب فلسفه سیاسی اسلامی سطح و مرتبه‌ای از انواع معارف

عقلی و شهودی - عرفانی و تجربی را قایل‌اند؛ ولی در میزان بهره‌وری از آنها با

یکدیگر متمایز می‌شوند.

- فلاسفه اسلامی به نحو سلبی و ایجابی با محیط فکری - فرهنگی و سیاسی

- اجتماعی خود ارتباط برقرار کرده و از آنها متأثر بوده‌اند و متناسب با نوع مسائل زمانه خود، تعاملات مستقیم و غیر مستقیم داشته‌اند.

آنچه به عنوان ادعا می‌توان در پاسخ به پرسش اصلی این طرح عرضه کرد، آن است که گرایش‌ها و مکاتب فلسفه سیاسی اسلامی به ازای نوع اقتضانات محیط بیرونی و به ازای اتخاذ نوع رهیافت مطالعاتی فلاسفه مکاتب مذکور در فهم هستی و انسان و کیفیت ارتقای وجودی و سامان زندگی مدنی و مسائل آن با یکدیگر متمایز می‌شوند.

مفاهیم اصلی که نیاز است در طول بحث بر اساس آنها اشتراکات، تمایزات، موضوعات و مسائل بررسی و تبیین شوند، عبارت‌اند از:

فلسفه سیاسی

فلسفه سیاسی دانشی است که به چیستی زندگی و پدیده‌های سیاسی و کشف حقیقت سیاست و ترسیم الگویی از نظم سیاسی مطلوب می‌پردازد و زندگی سیاسی را درون یک مکتب خاص هدف‌گذاری و سامان‌بخشی می‌کند و از این طریق، انسان را با پرسش‌هایی از چیستی و حقیقت زندگی و پرسش از اساسی‌ترین ارزش‌ها و نگرش‌ها درگیر می‌کند.

فلسفه سیاسی اسلامی

فلسفه سیاسی اسلامی آن دسته خردورزی‌های فلسفی سیاسی است که در فضای فرهنگ اسلامی و متأثر از وحی صورت گرفته است.

مکاتب فلسفه سیاسی اسلامی

مراد از مکاتب فلسفه سیاسی اسلامی مجموعه آرا و نظریات فلسفی سیاسی فیلسوفان اسلامی است که متأثر از مبانی هستی‌شناسی و فلسفه یونانی و حکمت ایرانی و عرفان نظری و اقتضانات محیط فکری - فرهنگی و سیاسی - اجتماعی

خود در چارچوب‌های مفهومی و معرفتی خاص دسته‌بندی شده و هر یک آثار و پیروان خاصی دارند. این مکاتب به اقتضای دستگاه فلسفی سه مکتب فلسفه مشاء، فلسفه اشراق و فلسفه متعالیه به سه مکتب فلسفه سیاسی مشاء، اشراق و متعالیه صورت‌بندی می‌شوند؛ هرچند در دو مکتب فلسفه سیاسی اشراق و متعالیه متون سیاسی مستقلی وجود ندارد، دستگاه فلسفی فلسفه اشراق و متعالیه ظرفیت لازم برای بازسازی یک فلسفه سیاسی منسجم با متون مستقل سیاسی را دارند. البته در ادامه در طی مباحث فصول و نتیجه‌گیری‌های آنها ممکن است نویسنده در حوزه عمل و زندگی مدنی و فلسفه سیاسی در کنار مکاتب سه‌گانه به نتایج دیگری نیز برسد:

- حکمت سیاسی مشاء انعکاس عملی فلسفه و حکمت نظری مشاء در زندگی سیاسی است و پیدایش آن ناشی از اقتضانات دستگاه فلسفی فلاسفه مشاء و دغدغه فکری آنان است.

- حکمت سیاسی اشراق انعکاس عملی فلسفه و حکمت نظری اشراق در زندگی سیاسی است و پیدایش آن ناشی از اقتضانات دستگاه فلسفی فلاسفه اشراق و دغدغه فکری آنان است.

- حکمت سیاسی متعالیه انعکاس عملی فلسفه و حکمت نظری متعالیه در زندگی سیاسی است و پیدایش آن ناشی از اقتضانات دستگاه فلسفی فلاسفه حکمت متعالیه و دغدغه فکری آنان است.

این پژوهش از دو روش جامعه‌شناسی معرفت و تحلیل محتوا بهره می‌گیرد. جامعه‌شناسی معرفت از آن جهت به کار گرفته می‌شود که نشان داده شود چگونه محیط بیرون بر تولید مسئله و ایجاد ارتباط میان فیلسوف و محیط تفکر و اندیشه تأثیرگذار است. توضیح آنکه فلاسفه اسلامی به نحو سلبی و ایجابی با محیط

فکری - فرهنگی و سیاسی - اجتماعی خود ارتباط برقرار کرده و از آن متأثر بوده‌اند و متناسب با نوع مسائل زمانه خود، تعاملات مستقیم و غیر مستقیم داشته و خردورزی‌های متناسب از موضوعات و مسائل زمانه و متناسب با رهیافت‌های حاکم بر فهم و نظر زمانه عرضه کرده‌اند و همین امر تمایزاتی را برای مکاتب مورد نظر در پی داشته است. بنابراین محیط بیرونی نقش مؤثری در تولید مسئله ذهنی و نوع آن و در اتخاذ رهیافت فهم خاص از هستی و انسان برای فیلسوف دارد.

چنان‌که گرایش‌ها و مکاتب فلسفه سیاسی اسلامی به میزان تأثیرپذیری از مبانی دینی و از مکاتب فلسفی پیشین (فلسفه یونانی و نوافلاطونی و ایران قدیم و مشرق‌زمین و...) ماهیت متفاوت یافته و با یکدیگر متمایز می‌شوند، با بهره‌گیری از روش تحلیل محتوا می‌توان به گزاره‌های متمایز در متون به‌جامانده از حکما در مقاطع گوناگون پرداخت و تمایزات محتوایی آنها را از یکدیگر تمییز داد و در قالب‌های مختلف آنها را دسته‌بندی کرد.

مطالبی که در این اثر بحث و بررسی می‌شوند، بر اساس سؤال اصلی یعنی «وجوه تمایز گرایش‌ها و مکاتب فلسفه سیاسی اسلامی (مشاء، اشراق، متعالیه و...) کدام‌اند؟ و سؤالات فرعی که پاسخ به سؤال اصلی هستند، سازماندهی خاص خود را می‌طلبند؛ از این‌رو متن ابتدا از یک مقدمه برخوردار است که در آن مطالب مقدماتی از قبیل بیان مسئله و پرسش‌های اصلی و فرعی، پیشینه و چارچوب نظری آغاز می‌شود، در ادامه متناسب با سؤال اصلی و سؤالات فرعی با پنج فصل و یک جمع‌بندی و نتیجه‌گیری خاتمه می‌یابد. فصل اول تحت عنوان «ویژگی‌های مشترک مکاتب فلسفه سیاسی اسلامی (مشاء، اشراق، متعالیه و...)» در پاسخ به پرسش از اینکه مکاتب فلسفه سیاسی اسلامی چه نوع هویت واحدی دارند، تدارک شده است. فصل دوم تحت عنوان «زمینه‌های تاریخی مکاتب

فلسفه سیاسی اسلامی» در پاسخ به پرسش از اینکه زمینه‌های تاریخی (اوضاع سیاسی، اجتماعی، فکری فرهنگی) چه نوع تمایزاتی را در مکاتب فلسفه سیاسی اسلامی موجب شده است، تنظیم شده است. فصل سوم با عنوان «تمایزات مبانی مکاتب فلسفه سیاسی اسلامی» برای پاسخ به پرسش «کدام مبانی مکاتب فلسفه سیاسی اسلامی را از یکدیگر متمایز می‌کند» عرضه می‌شود. فصل چهارم با عنوان «تمایزات روشی مکاتب فلسفه سیاسی اسلامی» پاسخگوی پرسش «مکاتب فلسفه سیاسی اسلامی از حیث روش چگونه از یکدیگر متمایز می‌شوند» است. فصل پنجم با عنوان «تمایزات موضوعی مکاتب فلسفه سیاسی اسلامی» در پاسخ به پرسش «مکاتب فلسفه سیاسی اسلامی از حیث مسائل خاصه نظم مطلوب چگونه از یکدیگر متمایز می‌شوند؟» عرضه می‌شود. در پایان، محقق حاصل تلاش‌های خود در هر فصل را برای پاسخ به پرسش اصلی و پرسش‌های فرعی مرور می‌کند و نتایج لازم را از آنها می‌گیرد و عرضه می‌نماید.